

Derived Word Forms in Baluchi

Saman Mosafa¹

Baluchi belongs to the Iranian Language family and employs compounding and derivation as word formation processes. Introducing the affixes of Baluchi opens a new chapter in the grammatical study of this language. The present research provides result, relevant to the grammatical study about this language and the related comparative studies. The oldest written documents on Baluchi date back to approximately 2 centuries ago; and no more comprehensive information is reported. However the contemporary linguistic studies about Baluchi reveals that Baluchi has preserved more linguistic resemblance to ancient language forms compared with other Iranian languages. This fact foregrounds the position of Baluchi among other Iranian languages. No specific research has been performed in this regard and the derivational and inflectional affixes in Baluchi have been introduced sporadically in different written works.

Key Words: *Baluchi, simple word, non- simple word, affix, complex word*

¹ - M.A. Graduate, Ancient Languages and Cultures Department, Islamic Azad University, Science and studies branch

واژه‌های مشتق در بلوچی

سامان مصفا^۱

چکیده

زبان بلوچی یکی از زبان‌های خانواده ایرانی است که در حوزه صرف از فرایندهای تصریف و اشتقاق بهره می‌جوید. با شناخت و معرفی وندهای زبان بلوچی فصل جدیدی در مطالعه دستور این زبان ایرانی باز می‌شود. نتیجه پژوهش حاضر در ارتباط با مطالعه دستور زبان بلوچی و مطالعات تطبیقی این زبان و زبان‌های دیگر به خصوص زبان‌های خویشاوند بلوچی مفید است. قدمت کهن‌ترین منابع مکتوب به زبان بلوچی به حدود کمتر از دو قرن می‌رسد و اطلاعات کامل‌تری از این زبان طی ادوار گذشته در دست نیست. به کمک مطالعات زبانشناختی در دهه‌های اخیر می‌توان اطلاعات سودمندی از وضع گذشته این زبان به دست آورد و به کمک همین بررسی‌های زبانشناسانه است که می‌توان دریافت که زبان بلوچی ویژگی‌های بیشتری از زبان‌های ایرانی باستان و میانه را نسبت به زبان‌های دیگر - از جمله فارسی - حفظ کرده است؛ از این حیث در مطالعات زبانی و در میان زبان‌های خانواده ایرانی اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد. تاکنون به طور اختصاصی پژوهشی در این زمینه در داخل و در خارج از ایران انجام نشده است. وندهای تصریفی و اشتقاقی بلوچی به طور پراکنده و ناقص در بعضی از منابع مربوط به دستور بلوچی معرفی شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: زبان بلوچی، واژه ساده، واژه غیرساده، ونده، کلمات مشتق

۱- کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاداسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

۱- مقدمه

وسعت استان سیستان و بلوچستان ۱۸۷۵۰۰ کیلومتر مربع - سیستان ۱۵۱۹۵ و بلوچستان ۱۷۲۳۰۵ کیلومتر مربع - است. این استان بیش از ۱۱ درصد از وسعت کل کشور را در برمی گیرد. این استان ۱۴ شهرستان، ۳۷ بخش، ۳۲ شهر، ۹۸ دهستان، ۱۰۰۱۵ آبادی و ۲/۴ میلیون نفر جمعیت دارد؛ دارای ۱۲۰۰ کیلومتر مرز خشکی و ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی است. از شمال به استان خراسان جنوبی، از غرب به استان کرمان و هرمزگان و از جنوب به دریای عمان محدود است، از مشرق با افغانستان و پاکستان هم مرز است و در مجموع پهناورترین استان کشور محسوب می شود.

سرزمین بلوچستان مطابق با تقسیم بندی انجام شده در دوره قاجار به دو قسمت بلوچستان ایران و بلوچستان پاکستان تقسیم شده است. قسمت بلوچستان ایران در جنوب شرقی ایران و بخش بلوچستان پاکستان در جنوب غربی این کشور واقع شده است. بلوچستان ایران به همراه سیستان استان سیستان و بلوچستان را تشکیل می دهد، مرکز این استان شهر زاهدان است. بلوچستان پاکستان نیز یکی از استان های چهارگانه کشور پاکستان است و مرکز آن شهر کوئته می باشد.

در حال حاضر بلوچ ها علاوه بر این دو منطقه، در دیگر استان های دو کشور ایران و پاکستان و نیز بخش مهمی از جنوب کشور افغانستان و منطقه مرو در ترکمنستان و به طور پراکنده در کشورهای حوزه خلیج فارس سکونت دارند، جمعیت های پراکنده ای نیز در شرق آفریقا و اروپا ساکنند.

پیشینه تاریخی و ویژگی خاص موقعیت سرزمین سیستان و بلوچستان و همجواری آن با کشورهای همسایه، باعث تداخل زبانی اقوام گردیده است. از جمله قرض گیری های زبانی میان بلوچی و زبان های دراویدی، برهویی، جدگالیو سندی قابل توجه است.

سرزمین کنونی بلوچستان ایران را می توان به دو قسمت شمالی (سرحد^۱) و جنوبی (مکران^۲) تقسیم کرد. قسمت سرحد مرتفع تر و دارای آب

^۱-sarhad

^۲-makkorān

و هوای خنک‌تر و برای کشاورزی و دامپروری مساعدتر است. قسمت مکران کم ارتفاع تر و دارای هوای گرم‌تر و بارندگی کمتر نسبت به سرحد است.

وجود دو نوع آب و هوا در دو منطقه بلوچستان در زندگی اجتماعی مردم تاثیرگذار و نمود آن درمسائل فرهنگی، زبانی و حتی وضعیت جسمانی و خلق و خوی مردمان این دو منطقه قابل مشاهده است.

۲- معرفی زبان بلوچی و گویش های آن

زبان قوم بلوچ، بلوچی^۱ نام دارد، البته باید به این مسئله توجه داشت که در هیچیک از مکان‌های سکونت بلوچ‌ها، بلوچی زبان رسمی محسوب نمی‌شود.

با آغاز قرن نوزدهم و شروع مطالعات زبانشناختی بر زبان بلوچی، برخی از صاحب نظران، آن را گویشی از گویش‌های زبان فارسی و برخی دیگر آن را زبان مستقل نامیده‌اند.

با انجام مطالعات بیشتر بر روی این زبان و معرفی تشابهات زبانی میان بلوچی و دیگر زبان‌های ایرانی مانند فارسی، پشتو، کردی و تاجیکی معلوم شد که زبان بلوچی یکی از زبان‌های ایرانی است که خود مستقیماً از زبان فرضی (ایرانی باستان) منشعب شده است. بلوچی کنونی گویشی از دیگر زبان‌های ایرانی نیست بلکه خود چندین گویش دارد.^۲

برخی از دانشمندان در دوره آغازین مطالعات خود بر روی زبان بلوچی، نژاد قوم بلوچ و حتی زبانشان را غیرایرانی قلمداد کرده بودند.^۳ اما با گسترش این مطالعات، این نظریه به طور کلی مردود اعلام شد و بر ایرانی بودن این زبان تاکید شده است.

^۱- در استان سیستان و بلوچستان چند زبان و گویش قابل تشخیص است. از آن جمله می‌توان به زبان‌های بلوچی (با گستردگی در تمام استان) براهویی (با گستردگی در شهرهای زابل، زهک، خاش و...) جدگالی با گستردگی در بخش دشتیاری چابهار) گویش سیستانی (با گستردگی در شهرهای زابل، زهک) اشاره کرد.

^۲- از جمله کسانی که این نظریه را مطرح کرده‌اند می‌توان به دکتر محسن ابوالقاسمی اشاره کرد.

^۳- از جمله این صاحب نظران می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

Pottinger
Khanikkof
Holdich
Rawlinson

از جمله عواملی که باعث بوجود آمدن چنین حدس و گمان‌هایی درباره زبان بلوچی شد، عدم وجود منابع مکتوب بلوچی از دوران قدیم است. درحقیقت تمام آثار مکتوب زبان بلوچی به دو قرن نوزدهم و بیستم مربوط می‌شود.

بسیاری از زبان‌شناسان اروپایی در ادامه مطالعات زبانشناختی درباره زبان-های هند و اروپایی و سعی در یافتن ریشه مشترک و ارتباط زبانی میان این مجموعه زبانی، به این زبان که خود حامل بسیاری از ویژگی‌های زبان ایرانی باستان بود، توجه نمودند.

در ادامه این پژوهش‌ها و پس از آشنایی بلوچی‌زبانان با مطالعات زبانشناختی، گردآوری و نگارش حجم قابل توجهی از میراث تاریخی و ادبی آغاز شد. درحقیقت پس از استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷ میلادی بلوچ‌های پاکستان با تاسیس انجمن‌ها و نیز با چاپ مجلات و کتاب‌هایی درباره زبان و ادبیات بلوچی به این مطالعات شتاب بخشیدند.

اکنون به کمک راهکارهای زبانشناسی تاریخی - تطبیقی ثابت شده است که زبان بلوچی یکی از زبان‌های خانواده ایرانی است که به همراه دیگر زبان‌های ایرانی و هندی آریایی، گروه بزرگتر زبان‌های هند و ایرانی را تشکیل می‌دهد.

از سوی دیگر گروه زبان‌های هند و ایرانی خود ریشه در خانواده بزرگ زبانی هند و اروپایی دارد که امروزه دامنه آن از قاره‌های آسیا و اروپا فراتر رفته و به دیگر قاره‌های جهان نیز کشیده شده است. به عبارت دیگر زبان بلوچی ریشه در خانواده زبانی هند و اروپایی دارد که امروزه بازماندگان این خانواده زبانی در سراسر جهان پراکنده اند (محمودزهی، ۱۳۸۱: ۴۴).

در رده‌بندی زبان‌های ایرانی، به واسطه آن که منابع مکتوب کافی از دوره-های پیشین برجای نمانده است زبان بلوچی را در دسته زبان‌های ایرانی نو جای داده‌اند. اما به اعتقاد برخی از صاحب نظران هر چند که از زبان‌هایی مانند کردی و بلوچی فقط از دوره نو آثاری در دست است بنا به ملاحظات زبانشناختی و حفظ بسیاری از ویژگی‌های واژگانی و آوایی دوره باستان، می‌توان از بلوچی باستان نیز سراغ گرفت که بلوچی کنونی دنباله آن است و درکنار زبان‌های دیگر مستقیماً از زبان‌های فرضی *ایرانی باستان* منشعب شده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۷).

زبان‌های ایرانی نو همانند زبان‌های دوره میانه به دو دسته شرقی و غربی و سپس در یک تقسیم‌بندی جزئی‌تر به دسته شمالی و جنوبی تقسیم می‌شوند. این تقسیم‌بندی‌ها بر مبنای تفاوت‌های موجود میان این زبان‌ها در این دوره است. در این دوره هر زبان را با توجه به محل پیدایش و تکلم گویشوران و مهم‌تر از همه ویژگی‌های زبانی آن، به یکی از این تقسیم‌بندی‌ها محدود می‌کنند. زبان بلوچی با اینکه در نواحی مشرق و جنوب شرقی ایران رواج دارد و با توجه به مختصات و ویژگی‌های ساختاری، جزو زبان‌های ایرانی شمال غربی محسوب می‌شود (باقری، ۱۳۸۱).

زبان‌های شمال غربی از زبان‌ها و گویش‌های باستانی که در سرزمین ماد و پارت - یعنی بخش شمالی و شمال غربی فلات ایران رایج بوده اند - ریشه می‌گیرند. از جمله گویش‌های ایرانی شمال غربی را می‌توان به کردی، بلوچی، تالشی، گیلکی و مازندرانی اشاره کرد (محمودزهی، ۱۳۸۱: ۴۸).

هنوز به درستی معلوم نیست از چه هنگام نام بلوچی به این زبان داده شده است. این زبان به جهت ارتباط بنیادی با دیگر زبان‌های خانواده ایرانی و بنا به شرایط محیطی خاص منطقه و علاقه‌مندی بسیار سخن‌گویان آن، در طول تاریخ به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای وحدت قومی در مقابل تحولات زبانی مقاومت نموده و کمتر دچار تغییر شده است. به همین علت توانسته است بسیاری از ویژگی‌های زبان‌های ایرانی کهن را در خود حفظ کند.

همین پایداری در مقابل تغییرات که بنا به ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی در زبان‌ها روی می‌دهد، موقعیت منحصر به فردی را برای زبان بلوچی در میان دیگر زبان‌های خانواده بزرگ ایرانی بوجود آورده است. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به حفظ صامت‌های ایرانی باستان در بافت واژه در جایگاه‌های آغازی، میانی و پایانی اشاره کرد (الفنباين، ۱۹۹۶).

^۱- ابقای صامت /p/ ایرانی کهن در بلوچی (apš - čarp) و تبدیل آن به /b/ در ایرانی میانه غربی و فارسی امروز (šab - čarb) - ابقای صامت /č/ ایرانی کهن در بلوچی (ruəč - panč) و تبدیل آن به /z/ یا /z/ در ایرانی میانه غربی و فارسی (panz / panj - rōz / rūz) - همچنین بسیاری از واژگان ایرانی کهن در بلوچی با کمترین تحول موجود می‌باشند از جمله: گوسفند pas، تخم مرغ hayk، زن - زدن jan-janag

با توجه به مطالب فوق و پیوند دیرینه زبان بلوچی با دیگر زبان‌های ایرانی و سایر ویژگی‌های صرفی- نحوی بلوچی، این زبان جایگاه مهمی در مطالعات زبانشناختی ایرانی دارد.

۳- گویش‌های بلوچی

از آنجایی که در دوره‌های پیشین از زبان بلوچی منابع مکتوب کافی برجای نمانده است نمی‌توان بر اساس روند تاریخی به تقسیم‌بندی دقیق گویش‌های این زبان پرداخت. بنابر این، تقسیم‌بندی ذیل تنها بر اساس وضعیت فعلی این زبان است و صاحب نظران بر اساس ویژگی‌های خاص زبانی در هر منطقه، این زبان را به گویش‌های مختلف تقسیم کرده‌اند.

بر اساس مطالعات زبانی انجام شده به طور کلی می‌توان به چند نظریه درباره گویش‌های بلوچی اشاره کرد:

۱- الفنباین^۱ (۱۹۹۶) پس از انجام مطالعات میدانی گسترده درباره بلوچی، ابتدا آن را به دو گویش عمده شرقی و غربی و پس از آن به شش گویش جزئی‌تر تقسیم می‌کند. در تقسیم‌بندی وی پنج گویش فرعی وابسته به گویش غربی و تنها یک گویش شرقی عنوان شده است. به طور کلی چارچوب تقسیم‌بندی او به شرح زیر است:

الف- گویش شرقی: شامل تنها یک گویش فرعی (بلوچی ارتفاعات شرقی)؛
 ب- گویش‌های غربی: شامل پنج گویش فرعی (۱- رخشانی ۲- سراوانی ۳- کچی ۴- لاشاری ۵- گویش‌های فرعی تر سواحل دریای عمان در ایران و پاکستان).
 الفنباین که اساس کار خود را در این تقسیم‌بندی‌ها ویژگی‌های واجی و واژگانی قرار داده است، برای هر کدام از گویش‌های فرعی فوق جزئیات بیشتری نیز ارائه می‌کند.

۲- جهانی^۲ گویش‌های عمده زبان بلوچی را به دو دسته (شرقی - مکرانی) و (غربی - رخشانی، سرحدی) طبقه بندی می‌کند. در میان بلوچ زبانان ایران نیز بر اساس گوناگونی‌های اقلیمی و زبانی، این طبقه بندی رایج است.

¹ - Elfenbein

² - Jahāni

شهرهای زاهدان و خاش با توابع آنها سرحد و شهرهای ایرانشهر، سراوان، سرباز، نیکشهر و چابهار مکران نامیده می‌شوند.

۳- محمودزهی گویش‌های زبان بلوچی موجود در استان سیستان و بلوچستان را این گونه تقسیم بندی می‌کند:

۱- گویش اصلی شمالی (سرحدی)

۲- گویش اصلی میانه (بمپوری)

۳- گویش اصلی جنوبی (زرباری)

۴- گویش اصلی مختلط

هر یک از این گویش‌ها دارای گویش‌های فرعی‌تری هستند که عمده‌ترین آنها عبارتند از: زاهدانی، زابلی، خاشی، سراوانی، ایرانشهری، فنوجی - لشاری، سربازی، نیکشهری، چابهار و...

این گویش‌ها با وجود آنکه تفاوت‌هایی در میان خود دارند اما درک متقابل آنها برای گویشوران امکان پذیر است.

۴- ساختمان واژه در بلوچی

واژه در زبان بلوچی ممکن است تنها از یک تکواژ و یا از ترکیب چند تکواژ ساخته شود. بنابر این واژه را می‌توان به اعتبار آنکه چند تکواژ در ساختمان آن وجود داشته باشد، به دو نوع تقسیم کرد: ^۱ واژه ساده و ^۲ واژه غیرساده

۴-۱- واژه ساده

واژه ساده واژه‌ای است که فقط از یک تکواژ ساخته شده است و قابل تجزیه نیست. مانند:

mazan – âhen- tâm – drâj – čamm

اسم‌ها و صفات ساده بلوچی به دو صورت ساخته می‌شوند:

الف: اسم‌ها و صفاتی که اساساً اسم یا صفت هستند و از ماده فعلی گرفته نشده‌اند، مانند:

^۱ - simple word

^۲ - non- simple word

اسم	صفت
čamm چشم	ṭūh بزرگ
kuəh کوه	lahm نرم
bâsk بازو	espiət سفید
mūd موی	mazan بزرگ
muər مورچه	kasân کوچک
ruəč روز	prâh گشاد

ب- اسم‌ها و صفت‌هایی که از ماده فعلی (عموما ماده مضارع) بدون پیشوند یا پسوند ساخته می‌شوند. مانند:

چرخ (ماده مضارع فعل چرخیدن) čahr

بند (ماده مضارع فعل بستن) band

۲-۴ - واژه غیر ساده

واژه غیر ساده واژه‌ای است که حاصل ترکیب دو یا چند تکواژ باشد. واژه‌های غیر ساده در زبان بلوچی به سه نوع تقسیم می‌شوند: واژه مرکب^۱، واژه مشتق^۲، مشتق مرکب^۳.

^۱-compound word

^۲-complex word

^۳-derived complex word

۴-۲-۱- واژه مرکب

واژه مرکب واژه‌ای است که تکواژهای تشکیل دهنده آن از دو یا چند تکواژ آزاد ساخته شده باشد. مانند: *del-paṭṭ* ، *del-jam* ، *waš- tām* ، و *mah- diəm* .

۴-۲-۲- واژه مشتق

واژه مشتق واژه‌ای است که از یک تکواژ آزاد و یک یا چند وند ساخته شده باشد. مانند: *čamm-ag* ، *keš-âr* ، *âčeš-dân* ، و *tahl- uək* .

۴-۲-۳- واژه مشتق- مرکب

واژه مشتق- مرکب واژه‌ای است که از همنشینی دو یا چند تکواژ قاموسی و یک یا چند وند ساخته شود.

مانند: *mayâr-jall-ag* " ، *bâl-bâl-ok* ، *sar -čahr-ak* ، *bad-baht-î*

۴-۳- ملاحظات درباره کلمات مشتق در بلوچی

کلمات مشتق: کلماتی هستند که در ساخت آنها وند(پیشوند ، میانوند ، پسوند) به کار رفته است.

پیرامون کلمات مشتق در زبان بلوچی بیان برخی نکات ضروری است:

۱- برخی از پیشوندها در زبان بلوچی بدون تفاوت از آنچه در فارسی به کار می‌رود، کارایی دارند و یا با فارسی تفاوت تلفظی اندکی دارند.

فارسی	بلوچی
نادان	<i>nâ- bezânt</i>
نامرد	<i>nâ- mard</i>
بی کار	<i>biə – kâr</i>
در رفتن	<i>dar- rapten</i>
بر	<i>ber</i>
با	<i>bâ</i>
ب (نشانه امر)	<i>be</i>
هم	<i>ham</i>

۲- برخی از پیشوندهای فارسی در زبان بلوچی وجود ندارند:

(فرا، فر، اندر، باز، لا، فراز، وا، ور، و...)

۳- برخی از پسوندها در زبان بلوچی وجود دارند که دقیقاً همانند فارسی هستند هرچند ممکن است تفاوتی اندکی در تلفظ داشته باشند.

فارسی	بلوچی
دیدار	did - âr
گفتار	gopt- âr
خواهان	wāh- ân
روان	raw-ân
امیدوار	omiət- wâr

- از دیگر پسوندهای این گروه می‌توان نمونه‌های زیر را ذکر کرد: (- آ، - اک، - بان، - دان، - گار، - و...)

- پسوندهای -کده، وش، فام، سا، آسا، سان، باره، دیس، لاخ فارسی در بلوچی دیده نمی‌شوند و یا به شکلی دیگر بدل شده‌اند.

۴- میانوند -ā- در زبان بلوچی همانند فارسی است:

فارسی	بلوچی
سراسر	sar- â- sar
دمادم	dam- â- dam
برابر	bar - â- bar

۵- برخی دیگر از وندهای بلوچی به شرح زیراند:

- علامت صفت تفضیلی در بلوچی (- ter) است.

فارسی	بلوچی
داناتر	dânâ- ter
خوش تر	waš- ter

- علامت صفت برتر در بلوچی teriən - است.

فارسی	بلوچی
تاریک ترین	tahâr- teriən
درازترین	drâj- teriən

- پیشوند نهی در بلوچی ma - است.

فارسی	بلوچی
نرو	maraw
نخور	mavar
نَبَر	mabar
نکن	makan

- پیشوند فعل امر در بلوچی b - است.

فارسی	بلوچی
برو	borow
بخور	bowar
بکن	bekan
بیر	bebar

- در زبان بلوچی به طور کلی علامت جمع -ān می‌باشد و علامت‌های فارسی و عربی آن گونه که در زبان فارسی معمول هستند، به کار نمی‌روند.

فارسی	بلوچی
کوه‌ها	kuəh- ân
درختان	drahč- ân
برادران	brât-ân/ brâs- ān
جنگ‌ها	jang- ân

- نشانه‌های مصدرساز در زبان بلوچی etn - en - است که به بن ماضی و ag - که به بن مضارع متصل می‌شود. برای مثال:

بلوچی		فارسی
بن ماضی + تِن یا -ن	بن مضارع + گ	
bort- en	bar- ag	بردن
deyt- en	gend- ag	دیدن
rapt- en	raw- ag	رفتن
nešt- en	nend- ag	نشستن
gašt- en	gard- ag	گشتن

- پسوند عدد ترتیبی omi است و om وجود ندارد. مثلاً dahom نداریم، ولی dahomi داریم .

-če به عنوان پسوند اصیل بلوچی وجود ندارد. اخیراً در بعضی از کلمات دخیل از فارسی شنیده می‌شود. مانند باگیچه ، باگیچه، تریچه، بیلچه که در بلوچی به جای آن از پسوند تصغیرساز -ok استفاده می‌شود، مانند باگک، بیلک.

- کلمه‌هایی که با هر یک از پسوندها با بسامد کم کاربرد دارد، از فارسی وارد شده‌اند. مانند : زورمند.

اصولاً فقط چند پسوند پربسامد وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از: -i یا -ag .

۵. نتیجه‌گیری

زبان بلوچی هزاران سال است که زبان قوم بلوچ بوده است. قوم بلوچ و زبان آنان در طی هزاره‌ها، تحولات بسیاری را از سر گذرانده است.

تحولات چند قرن اخیر و رشد شتابنده علم، فناوری و ارتباطات انسانی در میان اقوام جهان و به تبع آن آمیختگی نژادی، فرهنگی، زبانی و... باعث نابودی بسیاری از زبان‌های جهان شده است. آنچه‌ان که سازمان یونسکو نسبت به این وضع اعلام خطر کرده و تلاش‌های بسیاری را در جهت حفظ زبان‌های در معرض نابودی انجام داده است، یونسکو اولین عامل نابودی زبان‌ها را رسمی نشدن

بسیاری از آنها در کشورها و عدم حمایت سیاسی و دولتی از زبان‌های بومی در آن کشورها اعلام کرده است. در کنار عامل فوق از بی توجهی گویشوران اینگونه زبان‌ها به عنوان تسریع کننده نابودی زبان‌ها یاد کرده است و خاطر نشان می‌کند که به مرور زمان اینگونه زبان‌ها مغلوب زبان‌های قوی‌تر می‌شوند و نابود می‌گردند.

زبان بلوچی بواسطه علاقه‌مندی سخن‌گویان آن، از وضعیت مطلوبی برخوردار است. بی شک توجه به خرده زبان‌ها نه تنها به استقلال و تمامیت ارضی کشورها لطمه نمی‌زند بلکه ضمن برآورده شدن خواست‌های زبانی مردم، امنیت و آرامش و در نتیجه تفاهم میان اقوام مختلف را در کشور نهادینه خواهد کرد.

منابع

- افراشی، آ (۱۳۸۶) *ساخت زبان فارسی*، تهران: انتشارات سمت.
- تجویدی، غ (۱۳۸۱) *واژه شناسی*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ----- (۱۳۸۴) *واژه سازی انگلیسی با فرایندهای واژه سازی در انگلیسی و فارسی*، تهران: انتشارات سمت.
- خلیلی، ک (۱۳۸۵) *فرهنگ واژه سازی در زبان فارسی دوره ۵ جلدی*، تهران: انتشارات قصیده سرا.
- غلامعلی، خ (۱۳۸۶) *ساخت زبان فارسی*، تهران: انتشارات احیاء.
- کلباسی، الف (۱۳۷۳) *طرح گردآوری و بررسی گویش‌های ایرانی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمودزهی، م. *دانشنامه اقوام ایرانی - سیستان و بلوچستان*، طرح تحقیقاتی میراث فرهنگی، چاپ نشده.
- محمودزهی، م. (۱۳۸۱) *گردآوری نمونه‌های گویشی زبان بلوچی در بلوچستان ایران*، طرح تحقیقاتی اداره کل میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان.
- یول، ج. (۱۳۸۴) *نگاهی به زبان (یک بررسی زبانشناختی) ترجمه نسربین حیدری*، تهران: انتشارات سمت.

-
- یوسفیان، پ. (۱۳۸۳) «توصیف گروه اسمی گویش بلوچی» مجله
گویش شناسی (ضمیمه نامه فرهنگستان)، شماره ۳.
- Elfenbein, J. H. (1966) *The Baluchi Language, A Dialectology
with Text*, London: Royal Asiatic Society.
- Jahani, C. (1989) *Standardization and Orthography in The
Balochi Language*, Uppsala.
- (2002) "Balochi " Facts about The Worlds
Languages, *An Encyclopedia of The World's Major Languages*,
Dublin.
- and Agnes Korn (2003) *The Baloch and Their
Neighbours*, Wiesbaden: Reichert verlag.

سدره ابر